

## غرور ملی

چند سال قبل در نمایشگاه پاورژن امارات که مربوط به نیروگاه‌ها است شرکت کردیم. غرفه ما جایی بود که دو طرفمان دو غول بزرگ این صنعت غرفه داشتند. زمینس آلمان و جنرال الکتریک امریکا. برای خود ما خیلی جالب بود. ما توی غرفه ایستاده بودیم و می‌گفتیم سیستم کنترل توربین داریم، غول‌ها هم همین را می‌گفتند. یک روز آخر وقت نماینده زمینس خیلی آرام و از کنار آمد غرفه ما و گفت می‌شود بیرون غرفه چند دقیقه صحبت کنیم؟ رفتیم پشت غرفه پرسید شما واقعاً این چیزی را که ادعا می‌کنید، ساخته‌اید؟ باورش نمی‌شد که یک کشوری در شدیدترین وضعیت تحریم چنین کاری را انجام دهد. ارائه خدماتی که چند سال پیش از طرف خود این شرکت‌ها

”

بعد از برج‌ها، ژاپنی‌ها برگشتند برای بازبایی دوباره اما دیدند موقعیت شان را از دست داده‌اند. مدیر فروش خاورمیانه شان را فرستادند مشاهد. در جلسه‌ای که داشتیم، وقتی فهمید ما این کار را انجام داده‌ایم، گیج و حیران شده بود

تحریم شده. برایش توضیح دادم و اسامی نیروگاه‌هایی را که با سیستم شرکت آهار کار می‌کردند، شمردم. بعد از تمام شدن صحبت‌های من گفت ما فکر می‌کردیم وقتی بعد از برج‌ها برگردیم ایران با یک بیابان بایر مواجه می‌شویم که یک بازار بکر برای ماست! بعد یک کارت ویزیت که موبایل شخصی‌اش روی آن نوشته بود از جیبش بیرون آورد و با احترام به من داد و گفت باهم در تماس باشیم! آن شب پشت آن چادر یک حس غرور ملی به من دست داد که شیرینی‌اش همیشه با من است.

## تفاوت‌های ایران و امریکا

برای گشودن یک بازار جدید صادراتی به عراق رفته بودیم. می‌خواستیم از چند نیروگاه بازدید کنیم. بازارشان تشنه بود و سریع منجر به قرارداد شد. در همین سفر و در یکی از نیروگاه‌ها، یکی از سیستم‌های خیلی جدید امریکایی، خراب شده بود. یکی از مدیران نیروگاه گفت شما می‌توانید این سیستم را درست کنید؟ من که نگاه کردم، به روز است و با تکنولوژی جدید نصب شده است. گفتم چرا خدماتش را از ما می‌خواهید؟ چرا مستقیم با خود جنرال موتورز امریکا تماس نمی‌گیرید؟ مگر این سیستم‌ها گارانتی

